

عنوان مقاله:

اهمیت و ضرورت توجه به پارادایم های آموزش هنر در ایران با رویکردی آسیب شناسانه ؛ مورد پژوهشی : صنایع دستی

محل انتشار:

سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

نسیم زارعیان - مدرس دانشگاه فنی و حرفه ای مرکز خرم آباد، لرستان، ایران

خلاصه مقاله:

تربیت هنری یکی از کارکردهای اساسی و مهم نظام آموزشی است. امروزه صاحب نظران در صدد بر آمده اند تا با معرفی زمینه ها و بنیادهای نظری ضرورت تربیت هنری را به نظام آموزشی و برنامه های درسی تبیین و توجیه کنند. متأسفانه در صحنه عمل به تربیت هنری به عنوان موضوعی واسطه نگریسته شده و به صورت اخص مورد توجه و اهمیت قرار نگرفته و قطعاً بی توجهی به نقش هنری تاثیرات مخربی بر رشد و پرورش و تکامل فکری هنرجویان در طولانی مدت خواهد داشت و جریان آموزش عالی هنر را به مجرای ناکارآمد و عقیم تبدیل خواهد کرد. در این میان صنایع دستی ایران از دیرباز نقشی اساسی در اقتصاد هویت فرهنگی ایران داشته در میان کشورهای مختلف از لحاظ تنوع، کیفیت غنای هنری از جایگاه قابل قبولی برخوردار است. در حال حاضر آموزش رسمی صنایع دستی در دو سطح پیش از دانشگاه مقاطع دانشگاهی با دو رویکرد روش متفاوت اجرا میگردد. با توجه به تحولات اخیر نظام آموزشی کشور، بازنگری در نظام آموزش صنایع دستی با هدف ارتقاء توانمندیهای نیروی انسانی متخصص در این حوزه، امری ضروری است. پرسش اساسی که در این پژوهش بدان پرداخته میشود عبارت است از: نظام آموزش صنایع دستی ایران در راستای انطباق با رویکردهای اسناد تحول آموزشی روزرسانی آن بر اساس نیازهای فعلی حوزه صنایع دستی، نیازمند چه تغییراتی است این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، تحلیلی- توصیفی است، که سپس از روش گردآوری کتابخانه ای چگونگی و چرایی تدریس رشته های هنر را در مقاطع دانشگاهی بدین صورت بررسی نموده و در نهایت معضلات آموزش هنر را در دانشگاه ها نقد کرده و نیازهای آن را با توجه به شرایط موجود بیان نموده و به ارائه پیشنهاد و راهکار برای تغییر و تحول درمباحث آموزش هنر به جهت بهبود اوضاع شغلی فارغ التحصیلان و پیشرفت جایگاه هنر با لحاظ نمودن نیازهای جامعه و انتظارات دانشجویان رشته های هنر با حفظ هویت فرهنگی، قومی، ملی بپردازد. نتایج این پژوهش بیانگر آنست که فقدان نظامی جامع یکپارچه، که منجر به گسیختگی اهداف محتوای آموزشی در برخی مقاطع تحصیلی گشته است همچنین گرایش نبودن رشته صنایع دستی بر اساس پتانسیلهای بومی هر منطقه، از مهمترین کاستیهای این نظام آموزشی است بسیاری از اشکالات دیگر این نظام از جمله تکراری بودن محتوای برخی از دروس در مقاطع مختلف، عدم ارایه دروس کارآفرینی مباحث مرتبط با حوزه سب کار در مقطع مناسب قطع نگرش گرایشی مهارت محور دوره هنرستان در تحصیلات دانشگاهی، ناشی از فقدان این نگرش است. از اینرو تعریف نظامی جامع با رویکرد مهارت محور تمرکز بر تخصص منتهی به کارآفرینی اشتغال در گرایشی خاص آموزش خلاقیت مبتنی بر اصالت، اصول حرفهای شایستگی های مورد نیاز حوزه صنایع دستی از راهکارهای پیشنهادی در روزرسانی نظام آموزش صنایع دستی ایران است. نتایج نشان می دهد که پارادایم های نوین آموزش هنر، تفکرهمراه با مطالعه و نقد با استفاده از برداشت های شخصی صحیح، ذهن منفعل را به سمت ذهنی فعال سوق می دهد و نیروهای بالقوه را بالفعل می سازد، بنابراین بهره بری یادگیری را ارتقاء داده، در نتیجه یادگیری مهارت و تکنیک سهل میشود که م ...

کلمات کلیدی:

آسیب شناسی، هنر، صنایع دستی، آموزش عالی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/934378>



